



همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و کیفیت سود

نقش تعدیلگر حق الزحمه حسابرس

جاوید یاراحمدی^۱

مسعود غلامزاده‌لداری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

چکیده

توجه به ارتباط بین مدیرعامل و مدیر مالی به‌عنوان دو عضو اثرگذار در تعیین و اجرای راهبرد عملیات شرکت، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. از این‌رو هدف پژوهش حاضر آزمون تجربی رابطه بین همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و کیفیت سود با توجه به نقش تعدیلگر حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. برای این منظور اطلاعات مربوط به ۱۰۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ لغایت ۱۴۰۰ جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش بیانگر تأیید رابطه منفی بین همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و کیفیت سود می‌باشد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی نقش تعدیلگر در رابطه منفی بین همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و کیفیت سود، ایفا می‌کند. بر این اساس می‌توان ادعا کرد در شرکت‌هایی که دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی یکسان است، احتمال مدیریت سود افزایش می‌یابد و در نتیجه حسابرسان برای پوشش ریسک حسابرسی، سطح رسیدگی و حق الزحمه حسابرسی خود را افزایش می‌دهند.

کلمات کلیدی

همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی، کیفیت سود، حق الزحمه حسابرسی.

۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت مالی و حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

javidyarahmadi@gmail.com

۲- استادیار، گروه مدیریت مالی و حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Masoud.gholamzade@gmail.com

همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیرمالی و کیفیت سود.../یاراحمدی و غلامزاده‌لداری

مقدمه

پس از پژوهش اولیه سیمونیک در سال ۱۹۸۰، بسیاری از پژوهش‌ها عوامل گوناگون تعیین‌کننده حق‌الزحمه حسابرسی را موردبررسی و آزمون قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال تأثیر ویژگی‌های مؤسسه حسابرسی و صاحب‌کار (مشتری)، ویژگی‌های شخصی مدیر شرکت صاحب‌کار بر حق‌الزحمه حسابرسی مورد آزمون قرار گرفته است (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۲؛ ابات و همکاران، ۲۰۰۴؛ دی فوند و ژانگ، ۲۰۱۴، لاری و اورادی؛ ۱۳۹۶). بااین‌وجود، کمتر پژوهشی به رابطه بین تیم مدیریت، کیفیت سود و حق‌الزحمه حسابرسی پرداخته است.

هم‌زمانی دوره تصدی یکی از عوامل مهم برای تقویت ارتباط کاری بین تیم مدیریت است. زمانی که اعضای تیم مدیریت دارای دوره تصدی مشابهی هستند، زبان کاری مشترک آن‌ها منجر به ایجاد و بهبود روابط و تعاملات کاری و در نتیجه ارتقا اثر بخشی تصمیمات تجاری شرکت می‌شود (زنگر و لارنس، ۱۹۸۹). پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که ثبات دوره تصدی تیم مدیریت بر کارایی ارتباطات مدیریت (زنگر و لارنس، ۱۹۸۹؛ آنکونا و کالدول، ۱۹۹۲)، کار تیمی مدیریت (جکسون و همکاران، ۱۹۹۱)، ثبات تیم مدیریت (واگنر و همکاران، ۱۹۸۴) و عملکرد تجاری (اسمیت و همکاران، ۱۹۹۴؛ کارپنتر، ۲۰۰۲) مؤثر و مفید می‌باشد؛ اما پژوهش‌های پیشین بررسی نکردند که چگونه ثبات دوره تصدی تیم مدیریت بر رفتار حسابرس تأثیر می‌گذارد.

رابطه بین مدیرعامل و مدیرمالی به‌عنوان دو عضو مهم در تیم مدیریت، تأثیر بااهمیتی بر تصمیم‌گیری واحد تجاری دارد (دیکلی و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش‌های پیشین تأثیر آن‌ها را بر عملکرد شرکت‌ها از منظر مدیرعامل یا مدیرمالی به‌طور جداگانه موردبررسی قرار داده‌اند و به‌ندرت در مورد چگونگی پیامدهای اقتصادی در خصوص رابطه بین مدیرعامل و مدیرمالی موردبررسی و آزمون قرار گرفته است. در پژوهش حاضر تأثیر یکسان بودن دوره تصدی مدیرعامل و مدیرمالی بر کیفیت سود از منظر رفتار حسابرس موردبررسی قرار گرفته است.

هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیرمالی از طریق کیفیت سود شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر می‌گذارد. بر اساس مفهوم اثر همکاری متقابل، زمانی که مدیرعامل و مدیرمالی دارای دوره مسئولیت یکسانی هستند، احتمال بیشتری وجود دارد که ارتباطات مؤثر را حفظ کنند و همکاری و درک متقابل را افزایش دهند و حمایت و اعتماد مشترک افزایش می‌یابد (کاتز، ۱۹۸۲). برقراری ارتباط مدیرمالی به مدیرعامل کمک می‌کند تا در مورد رفتار مدیریت سود شرکت به توافق برسد و اهداف آن‌ها برای مدیریت سود برآورده شود (کی و لی، ۲۰۲۲)؛ بنابراین، می‌توان استدلال کرد که کاهش

فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / دوره ۱۵ / شماره ۶۰ / پائیز ۱۴۰۳

کیفیت سود، خطرات حساسی و هزینه‌های حساسی بیشتری را برای حسابرسان به همراه خواهد داشت و در نتیجه حق الزحمه حساسی افزایش می‌یابد.

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده برخی از محققان ویژگی‌های مدیرعامل از جمله قدرت مدیرعامل (بک و مولدین، ۲۰۱۴)، دوره تصدی و دانش مدیرعامل (لاری و اورادی؛ ۱۳۹۶)، اعتماد چهره مدیرعامل (حسیه و همکاران؛ ۲۰۲۰)، خودشیفتگی مدیرعامل (ژیانگ و آهنگ، ۲۰۲۱) را مورد بررسی قرار داده‌اند. باین‌حال، بر اساس جست‌وجوهای انجام‌شده هیچ پژوهشی رابطه بین یکسان بودن دوره تصدی مدیرعامل و مدیرمالی و کیفیت سود و اثر تعدیلی حق الزحمه حساسی بر رابطه بین این دو متغیر را مورد آزمون تجربی قرار نداده است. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌تواند با مشخص کردن رابطه فوق به عوامل مؤثر بر حق الزحمه حساسی و همچنین رفتار ترکیب تیم مدیریت بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت کمک کند.

با توجه به مطالب ارائه‌شده، هدف این پژوهش تشخیص رابطه بین هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی بر کیفیت سود و حق الزحمه حساسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که در این ارتباط نتایج حاصل از پژوهش حاضر با بررسی نحوه عمل مدیران، نشان می‌دهد که وابستگی‌های به وجود آمده در محیط کاری ممکن است منجر به تبانی برای انجام رفتارهای متهورانه و سودجویانه گردد. همچنین نتایج حاصل از پژوهش فوق می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، سهامداران در تصمیمات مالی و اقتصادی مفید واقع شود و به نهادهای نظارتی و مقررات‌گذار جهت اعمال محدودیت‌هایی در خصوص جلوگیری از تبانی مدیران شرکت کمک کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اعضای تیم مدیریت برای تسهیل ارتباطات در مورد مسائل کاری در سازمان‌ها نیاز به ایجاد یک‌زبان مشترک دارند (آلن و کوهن، ۱۹۶۹). بلوغ و کارایی ارتباطی این زبان تأثیر مهمی بر عملکرد شرکت‌ها دارد. یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر این نوع ارتباطات زبانی، هم‌زمانی دوره تصدی مدیران اجرایی است. هنگامی که اعضای تیم مدیریت دارای دوره تصدی مشابهی هستند، در ایجاد و بهبود این نوع زبان کاری مشترک مشارکت خواهند داشت. درک بهتر این نوع زبان کاری مشترک باعث ارتقای ارتباط بین مدیران و در نهایت بهبود اثربخشی تصمیمات تجاری شرکت می‌شود. در این صورت، اعضای تیم مدیریت با دوره تصدی یکسان نیز می‌توانند اعتماد متقابل و ارتباطات مدیران را افزایش دهند و تمایل بیشتری به همکاری با یکدیگر برای دستیابی به برنامه کاری هر دو طرف دارند (زنجر و لارنس؛ ۱۹۸۹، جکسون و همکاران؛ ۱۹۹۱).

همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و کیفیت سود.../ایرا احمدی و غلامزاده‌لداری

مدیرعامل به دلایلی از جمله پاداش، مزایا و حفظ جایگاه شغلی، انگیزه‌ای برای مدیریت سود دارد (هیلی، ۱۹۸۵؛ واتس و زیمرمن، ۱۹۷۸؛ برگستر و فیلیپون، ۲۰۰۶؛ علی و ژانگ، ۲۰۱۵). با این حال، مدیرعامل نمی‌تواند به تنهایی مدیریت سود را با موفقیت انجام دهد و برای همکاری به مدیر مالی همسو با آن نیاز دارد. پژوهش‌های موجود نشان داده‌اند که مدیر مالی تأثیر مهمی بر انتخاب و تعدیل خط‌مشی حسابداری شرکت دارد و تأثیر مستقلی بر مدیریت سود شرکت دارد (میان، ۲۰۰۱؛ گراهام و همکاران، ۲۰۰۵؛ گایگر و نورث، ۲۰۰۶؛ دوونگ و ایوانز، ۲۰۱۶). همچنین برخی از مطالعات نشان داده‌اند که مدیر مالی در مقایسه با مدیرعامل، تأثیرات مهم‌تری بر مدیریت سود دارد (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ چاوا و پورناندام، ۲۰۱۰؛ بیکر و همکاران، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، اینکه آیا مدیرعامل و مدیر مالی می‌توانند در مورد اجرای فعالیت‌های مدیریت سود به توافق برسند، برای کیفیت سود شرکت بسیار مهم است.

مدیران عامل بالاترین مقام اجرایی سازمان‌ها و مسئول کلیدی‌ترین تصمیمات راهبردی و عملیاتی شرکت‌ها هستند. آن‌ها باید جهت اتخاذ بهترین تصمیم، اطلاعاتی راجع به آن جمع‌آوری نمایند. در فرآیند تصمیم‌گیری در مورد پیامدهای مالی، مدیران مالی به‌عنوان زیردستان مستقیم مدیران عامل، نقش مهمی در فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی، بحث و تبادل نظر و تعیین سرمایه‌گذاری ایفا می‌کنند. مدیران مالی، پیامدهای اقتصادی سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌های راهبردی را ارزیابی می‌کنند تا مدیران عامل را از خطرات احتمالی آگاه کنند و در نتیجه به‌عنوان نگهبان از منافع مالی شرکت‌ها محافظت می‌نمایند. بر این اساس، مدیران مالی ملزم به مداخله در موارد قضاوت نادرست مدیرعامل هستند و با بررسی تهدیدهای احتمالی، استراتژی‌های جایگزین را به مدیران عامل پیشنهاد می‌دهند (فلیکس و همکاران، ۲۰۲۴).

زمانی که مدیرعامل و مدیر مالی در یک شرکت دارای دوره تصدی یکسانی باشند، می‌توانند به‌طور مؤثرتری ارتباط برقرار کرده و همکاری کنند (کی و لی، ۲۰۲۲). برای مثال، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اگر تیم مدیریت ناهمگونی کمی داشته باشد، می‌تواند فراوانی ارتباطات را افزایش دهد (زنگر و لارنس، ۱۹۸۹)، موانع ارتباطی را کاهش دهد (آنکونا و کالدول، ۱۹۹۲) و اعتماد متقابل را تقویت کند (کاتز، ۱۹۸۲). زمانی که دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی یکسان باشد، کارایی همکاری بهتر می‌شود. به‌احتمال زیاد مدیرعامل و مدیر مالی با یک دوره تصدی هزینه‌های ارتباطی کمتری داشته باشند و در مورد سطح مدیریت سود به توافق برسند. مدیر مالی با داشتن مدت تصدی یکسان با مدیرعامل احتمال بیشتری دارد که با خواسته‌های مدیرعامل در زمینه مدیریت سود را اجابت نماید و کیفیت سود شرکت

را کاهش دهد. از این رو می‌توان انتظار داشت که بین هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی با کیفیت سود رابطه منفی برقرار است.

هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی بر حق‌الزحمه حسابرسی از طریق رفتار مدیریت سود شرکت تأثیر می‌گذارد (ابوت و همکاران، ۲۰۰۶). از یک سو، حساب‌برسان باید از شواهد منابع حسابرسی بیشتری برای ارزیابی وضعیت و عملکرد مالی شرکت، ارزیابی کامل ریسک حسابرسی صاحب‌کار و به دست آوردن شواهد حسابرسی بیشتر مرتبط با کیفیت سود، استفاده نمایند. در نتیجه، در صورت هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی، انتظار می‌رود مؤسسات حسابرسی به دلیل احتمال کاهش کیفیت سود و افزایش ریسک حسابرسی، حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش دهند. نتیجه پژوهش ابوت و همکاران (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که بین کیفیت سود و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه مثبتی برقرار است.

مطابق استانداردهای حسابرسی، حساب‌برس از نبود تحریف بااهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه، در صورت‌های مالی به‌عنوان یک مجموعه واحد، اطمینانی معقول کسب می‌کند. اطمینان معقول، مفهومی است مرتبط با گردآوری شواهد حسابرسی لازم تا حساب‌برس بتواند به این نتیجه برسد که صورت‌های مالی به‌عنوان یک مجموعه واحد، فاقد تحریف بااهمیت است. حساب‌برسان ملزم به کاهش ریسک حسابرسی از طریق انجام روش‌های آزمون اضافی و یا اختصاص منابع اضافی به حسابرسی معاملات است که به احتمال زیاد منجر به تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی می‌شود. مطابق با استانداردهای حسابرسی، پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که حساب‌برسان به ریسک بالای مشتری با افزایش تلاش‌های حسابرسی و حق‌الزحمه خود واکنش نشان می‌دهند (خدادادی، قلمبر و چراغی نیا، ۱۳۹۵). انتظار می‌رود با افزایش کیفیت حسابرسی، احتمال استفاده از روش‌های قابل‌تردید حساب‌داری و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران کاهش یابد که این موضوع افزایش کیفیت سود را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین، با افزایش کیفیت حسابرسی، کیفیت سود افزایش می‌یابد. علاوه بر این، مهم‌ترین جنبه کنترل و مدیریت کیفیت حسابرسی را می‌توان حق‌الزحمه حسابرسی دانست (کی و لی، ۲۰۲۲). اگرچه حق‌الزحمه خدمات حسابرسی شرط ضروری برای اطمینان نسبت به کیفیت حسابرسی است. اگرچه حق‌الزحمه حسابرسی در برخی مواقع بیانگر حسابرسی باکیفیت بالاتر نیست اما، معمولاً مؤسسات حسابرسی هزینه استاندارد برای انجام کار خود در نظر می‌گیرند که به‌طور معمول حق‌الزحمه دریافتی متناسب با حجم کار انجام‌شده می‌باشد. استدلال بر این است که افزایش حجم کار حسابرسی، منجر به جلوگیری از دست‌کاری سود و افزایش کیفیت سود می‌گردد. از طرف دیگر، حساب‌برسان نیز در

همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و کیفیت سود.../پارا احمدی و غلامزاده‌لداری

مقابل افزایش حجم کار خود، حق‌الزحمه بیشتری مطالبه می‌کنند؛ لذا انتظار می‌رود که با افزایش حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت سود نیز افزایش یابد. همچنین شرکت‌هایی که سود پایدارتری (سود باکیفیت بالا) گزارش می‌کنند ریسک کمتری دارند. در نتیجه، حساب‌رسان حق‌الزحمه کمتری از مشتریانی که سود پایدارتری گزارش می‌کنند نسبت به مشتریانی که سود پایدار گزارش نمی‌کنند، درخواست می‌کنند.

در خارج از کشور، تأثیر ویژگی‌های مدیرعامل شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی، از جمله تسلط مدیرعامل (تسوی و همکاران، ۲۰۰۱)، دوگانگی نقش مدیرعامل (بلیس، ۲۰۱۱)، تغییر مدیرعامل (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۴)، مشوق‌های حقوق مالکانه مدیرعامل (کانان و همکاران، ۲۰۱۴)، قدرت مدیرعامل (کیم و همکاران، ۲۰۱۷)، سابقه مالی مدیرعامل (کالکار و خان، ۲۰۱۶) و دوره تصدی مدیرعاملی (میترا و همکاران، ۲۰۲۰)، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین برخی از محققان ویژگی‌های مدیر مالی از جمله؛ قدرت مدیر مالی (بک و مولدین، ۲۰۱۴)، اعتماد چهره (حسیه و همکاران، ۲۰۲۰) و خودشیفتگی (شیانگ و آهنگ، ۲۰۲۱)، بر حق‌الزحمه حسابرسی را مورد آزمون و بررسی قرار داده‌اند و دریافته‌اند عوامل مذکور از جمله عوامل تأثیرگذار بر تعیین حق‌الزحمه حسابرسی می‌باشد.

در محیط اقتصادی ایران، پژوهش اولیه نیکبخت و تنانی (۱۳۸۹) در خصوص عوامل تعیین‌کننده حق‌الزحمه حسابرسی نشان دادند که اندازه شرکت، نوع موسسه حسابرسی و تورم ارتباط معنی‌داری با حق‌الزحمه حسابرسی دارند. همچنین سپاسی و اسدی (۱۳۹۴) نشان دادند که بین بیش اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی وجود دارد. لاری و اورادی (۱۳۹۶) دریافته‌اند که رابطه مستقیمی بین دوره تصدی مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد و همچنین شرکت‌هایی که مدیرعامل آن‌ها از دانش مالی برخوردارند، نسبت به سایر شرکت‌ها حق‌الزحمه کمتری پرداخت می‌نمایند. علاوه بر موارد فوق، نتایج حاصل از پژوهش نوشادی و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که درک استفاده‌کنندگان و ذینفعان از حسابرسی، تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران و میزان ضابطه‌مند بودن رقابت، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تعیین حق‌الزحمه حسابرسی می‌باشد. همچنین حسنی و یونس حمه (۱۴۰۱) نشان دادند که آشفتگی مالی تأثیر معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌ی موضوع فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

• فرضیه اول: بین هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیرمالی و کیفیت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

• فرضیه دوم: حق‌الزحمه حسابرسی بر رابطه بین کیفیت سود و هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی تأثیر می‌گذارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری و تحلیل داده‌ها آرشویی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه‌ی تحقیق به روش حذفی از میان شرکت‌های تولیدی که طی سال‌های ۱۳۹۵ لغایت ۱۴۰۰ در بورس اوراق بهادار حضور فعال و مستمر داشتند و پایان سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند بود، انتخاب شد. البته شرکت‌های که داده‌های آن‌ها در دسترس نبود، حذف شدند. کیفیت و امکان دسترسی به اطلاعات از جمله دلایل انتخاب جامعه آماری است. در نهایت ۱۰۹ شرکت (۶۵۴ سال - شرکت) شرایط فوق را داشتند و به‌عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند.

اطلاعات موردنیاز شرکت‌های بورس اوراق بهادار از طریق پایگاه اطلاعاتی ره‌آورد نوین، سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران و همچنین سامانه اطلاع‌رسانی کدال گردآوری می‌شود. جمع‌بندی داده‌ها و محاسبات موردنیاز در صفحه گسترده اکسل، اجرا و تجزیه و تحلیل نهایی به کمک نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۰ انجام شده است. برای آزمون فرضیه‌ها به ترتیب از دو الگو رگرسیون چند متغیره به شرح زیر استفاده شده است: (منبع کی و لی، ۲۰۲۲)

مدل (۱):

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 ST_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 CFO_{it} + \beta_6 Age_{it} + \beta_7 PPE_{it} + \beta_8 REC_{it} + \beta_9 Big_{it} + \varepsilon$$

مدل (۲):

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 ST_{it} + \beta_2 AFit_{it} + \beta_3 ST_{it} * AFit_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 CFO_{it} + \beta_8 Age_{it} + \beta_9 PPE_{it} + \beta_{10} REC_{it} + \beta_{11} Big_{it} + \varepsilon$$

کیفیت سود: (EQ)

برای اندازه‌گیری کیفیت سود روش‌های متعددی وجود دارد که یک راه متداول اندازه‌گیری از طریق اقلام تعهدی می‌باشد. مطابق تعریف ریچاردسون در سال ۲۰۰۴ که برپایه تحقیقات اسلون (۱۹۶۶) و دیچو (۲۰۰۲ و ۱۹۹۴) می‌باشد، اقلام تعهدی به‌صورت تغییر در دارایی‌های غیر نقدی

همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و کیفیت سود.../یاراحمدی و غلامزاده‌لداری

پس از تغییر همه بدهی‌هاست.

$$TACC_t = \Delta WC + \Delta NCO + \Delta FIN$$

با توجه به روابط فوق، (TACC) اقلام تعهدی، (ΔWC) تغییرات سرمایه در گردش، (ΔNCO) تغییرات دارایی‌های عملیاتی غیر جاری و (ΔFIN) تغییرات دارایی‌های مالی می‌باشد که به صورت زیر محاسبه گردیده‌اند:

تغییرات سرمایه در گردش = تغییرات در دارایی‌های عملیاتی جاری - تغییرات در بدهی‌های جاری

دارایی‌های عملیاتی جاری = جمع دارایی‌های جاری - (سرمایه‌گذاری‌های جاری + نقد)

بدهی‌های عملیاتی جاری = جمع بدهی‌های جاری - تسهیلات مالی دریافتی

تغییرات دارایی‌های عملیاتی غیر جاری = تغییرات در دارایی‌های عملیاتی غیر جاری - تغییرات در بدهی‌های عملیاتی غیر جاری

دارایی‌های عملیاتی غیر جاری = جمع دارایی‌های غیر جاری - سرمایه‌گذاری‌های غیر جاری

بدهی‌های عملیاتی غیر جاری = جمع بدهی‌های غیر جاری - تسهیلات مالی دریافتی بلندمدت

تغییرات دارایی‌های مالی = تغییرات در دارایی‌های مالی - تغییرات در بدهی‌های مالی

دارایی‌های مالی = سرمایه‌گذاری‌های جاری + سرمایه‌گذاری غیر جاری

بدهی‌های مالی = بدهی کوتاه‌مدت + بدهی بلندمدت + حقوق صاحبان سهام قابل تبدیل

به دلیل اینکه اندازه، تأثیری روی نتایج تحقیق نداشته باشد، اقلام تعهدی و اجزای ارقام تعهدی برحسب میانگین دارایی‌های شرکت استاندارد می‌شوند. بر اساس ادبیات موضوع و حذف تغییرات دارایی‌ها طی دوره، از میانگین دارایی‌ها طی دوره استفاده گردید (منبع مشایخی و اسماعیلی، ۱۳۸۵).

حق‌الزحمه حسابرسی: (AF) لگاریتم طبیعی کل حق‌الزحمه حسابرسی.

همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی: (ST) یک متغیر مجازی است، در صورتی که تاریخ

استخدام مدیر مالی در سال انتصاب مدیرعامل باشد یک و در غیر این صورت صفر.

اندازه شرکت: (Size) لگاریتم طبیعی درآمد فروش شرکت.

اهرم مالی: (Lev) نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها.

بازده دارایی‌ها: (ROA) نسبت سود عملیاتی به جمع دارایی‌ها.

خالص جریان‌های نقدی: (CFO) نسبت جریان‌های نقد عملیاتی به جمع دارایی‌ها.

فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / دوره ۱۵ / شماره ۶۰ / پائیز ۱۴۰۳

سن شرکت (Age): لگاریتم طبیعی سن شرکت از تاریخ تأسیس.
 دارایی‌های ثابت مشهود (PPE): نسبت جمع دارایی‌های ثابت مشهود به جمع دارایی‌ها.
 حساب‌های دریافتی (REC): نسبت حساب‌های دریافتی به جمع دارایی‌ها.
 حسابرس (Big): یک متغیر مجازی است که چنانچه شرکت توسط سازمان حسابرسی یا موسسه حسابرسی مفید راهبر، حسابرسی شده باشد یک و در غیر این صورت صفر.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینه و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. مشاهدات پژوهش شامل اطلاعات ۱۰۹ شرکت برای سال‌های ۱۳۹۵ لغایت ۱۴۰۰، جمعاً شامل ۶۵۴ مشاهده می‌باشد. همچنین نزدیکی میانگین و میانه داده‌ها به یکدیگر و پایین بودن انحراف معیار آن‌ها نشان می‌دهد که داده‌های پژوهش همگن هستند.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

علامت اختصاری	نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
EQ	کیفیت سود	۰/۲۹	۰/۳۴	۱/۷۶	-۱/۶۸	۰/۴۱
AF	حق‌الزحمه حسابرسی	۷/۲۰	۶/۹۴	۱۰/۵۹	۳/۲۱	۱/۵۲
ST	هم‌زمانی دوره تصدی	۰/۴۵	۰	۱	۰	۰/۵۰
SIZE	اندازه شرکت	۱۴/۹۳	۱۴/۶۷	۲۱/۴۸	۹/۲۳	۲/۰۶
LEV	اهرم مالی	۰/۵۲	۰/۵۴	۱/۱۶	۰/۰۱	۰/۲۴
ROA	نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۸۴	-۰/۴۰	۰/۱۷
CFO	جریان‌های نقدی عملیاتی	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۷۱	-۰/۴۶	۰/۱۳
AGE	سن شرکت	۳/۶۳	۳/۷۸	۴/۲۵	۲/۴۸	۰/۴۲
PPE	دارایی‌های ثابت مشهود	۰/۲۶	۰/۲۱	۰/۹۷	۰	۰/۲۰
REC	حساب‌های دریافتی	۰/۳۰	۰/۲۷	۰/۸۲	۰	۰/۱۸
BIG	کیفیت حسابرسی	۰/۳۶	۰	۱	۰	۰/۴۸

در داده‌های ترکیبی ابتدا مدل مناسب از میان مدل‌های تلفیقی و تابلویی با استفاده از آزمون F لیمر تعیین می‌شود. فرضیه صفر در این آزمون بیان‌کننده تلفیقی بودن داده‌ها و فرضیه یک بیان‌کننده تابلویی بودن داده‌ها می‌باشد. در مدل‌های تابلویی، مدل اثرات ثابت و تصادفی باید از طریق آزمون هاسمن انجام شود؛ اما اگر مدل تلفیقی باشد، نیازی به انجام این آزمون نخواهد بود. با توجه به نتایج آزمون ادغام که در جدول زیر ارائه شده است،

همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و کیفیت سود.../یاراحمدی و غلامزاده‌لداری

فرض صفر مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها برای مدل‌های پژوهش در سطح ۹۹ درصد اطمینان رد می‌گردد؛ بنابراین، باید از مدل داده‌های تابلویی به‌منظور برآورد ضرایب این مدل‌ها استفاده نمود.

جدول ۲: نتایج آزمون ادغام

سطح احتمال	آماره محاسبه‌شده	
۰/۰۰۰۰	۹/۶۴	مدل اول پژوهش
۰/۰۰۰۰	۸/۳۲	مدل دوم پژوهش

به‌منظور تخمین مدل داده‌های تابلویی با استفاده از آزمون هاسمن از دو روش اثرات ثابت و تصادفی استفاده‌شده است. نتایج آزمون هاسمن در جدول ۳ نشان داده‌شده است. در این جدول، آماره آزمون هاسمن بر اساس برآورد انجام‌شده برای مدل اول در سطح خطای کمتر از ۵ درصد معنادار نمی‌باشد که از این‌رو، مدل اثرات تصادفی به‌عنوان مدل مناسب‌تر برای برازش این مدل انتخاب می‌گردد. درحالی‌که آماره آزمون هاسمن جهت برازش مدل دوم در سطح خطای کمتر از ۵ درصد معنادار می‌باشد. بنابراین مدل اثرات ثابت به‌عنوان مدل مناسب‌تر برای برازش این مدل‌ها انتخاب گردید.

جدول ۳: نتایج آزمون هاسمن

سطح احتمال	آماره محاسبه‌شده	
۰/۵۵۱۸	۸/۷۹	مدل اول پژوهش
۰/۰۰۰۸	۲۸/۴۵	مدل دوم پژوهش

آزمون فرضیه اول

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش به روش داده‌های پانل با اثرات تصادفی در جدول ۴ گزارش شده است. مقدار آماره دوربین واتسون حدود دو است، بنابراین، فرض صفر مبنی بر عدم وجود همبستگی بین جملات خطا رد شده و استقلال آن‌ها تأیید می‌شود. بر اساس آماره F فیشر مدل (۱) این مدل در سطح خطای کمتر از یک درصد معنادار می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل (۱) می‌دهد که حدود ۲۷ درصد از تغییرات در کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با تغییرات در متغیرهای مورد استفاده در الگوی پژوهش، توضیح داده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد ضریب مربوط به متغیر هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی منفی و در سطح خطای کمتر از یک درصد معنی‌دار است؛ بنابراین، در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان ادعا کرد که هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی، کیفیت سود را کاهش می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون مبین تأیید فرضیه اول پژوهش می‌باشد. این بدان معنی است که در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران زمانی که

فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار / دوره ۱۵ / شماره ۶۰ / پائیز ۱۴۰۳

مدیرعامل و مدیرمالی دوره تصدی یکسانی دارند با مشارکت یکدیگر، انگیزه مدیریت سود بیشتر می‌شود و در نتیجه کیفیت سود کاهش می‌یابد؛ یعنی به نظر می‌رسد مدیرعامل و مدیرمالی آن شرکت‌ها بر سر مسائل مدیریت سود به توافق رسیده و کیفیت سود را کاهش می‌دهند.

جدول ۴: نتایج تخمین مدل اول به روش اثرات تصادفی

نام متغیر	ضریب	آماره t	P-Value
ST	-۰/۲۱۹	-۴/۹۷۲	۰/۰۰۰
SIZE	-۰/۰۶۸	-۵/۵۸۹	۰/۰۰۰
LEV	۰/۲۸۰	۳/۰۳۱	۰/۰۰۳
ROA	۰/۴۵۸	۳/۰۷۱	۰/۰۰۲
CFO	۰/۰۶۸	۰/۴۸۱	۰/۶۳۱
AGE	۰/۰۷۱	۱/۷۹۵	۰/۰۷۳
PPE	۰/۱۲۶	۱/۳۴۶	۰/۱۷۹
REC	۰/۰۵۵	۰/۵۵۵	۰/۵۷۹
Big	۰/۰۷۷	۱/۹۸۷	۰/۰۴۷
Obs	۶۵۴		
R2	۰/۲۷۲		
D.W	۲/۰۸۲		
F-statistic	۵/۳۸۶	P-Value	۰/۰۰۰

آزمون فرضیه دوم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش به روش داده‌های پانل با اثرات ثابت در جدول ۵ گزارش شده است. مقدار آماره دوربین واتسون حدود دو است، بنابراین، فرض صفر مبنی بر عدم وجود همبستگی بین جملات خطا رد شده و استقلال آن‌ها تأیید می‌شود. بر اساس آماره F فیشر مدل (۳) این مدل در سطح خطای کمتر از یک درصد معنادار می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده مدل (۱) می‌دهد که حدود ۴۶ درصد از تغییرات در کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تغییرات در متغیرهای مورد استفاده در الگوی پژوهش، توضیح داده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد ضریب مربوط به متغیر تعاملی «هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و حق الزحمه حسابرسی» مثبت و در سطح خطای کمتر از یک درصد معنی‌دار است؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد که حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی بین کیفیت سود با هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی را کاهش می‌کند. ضریب حق الزحمه حسابرسی مثبت و در سطح خطای کمتر از یک درصد معنی‌دار

همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیرمالی و کیفیت سود.../یاراحمدی و غلامزاده‌لداری

است؛ بنابراین، در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان ادعا کرد که افزایش حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت سود را افزایش می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون مبین تأیید فرضیه دوم پژوهش می‌باشد. این نتایج بیان می‌نماید در صورتی که مدیرعامل و مدیرمالی دوره تصدی یکسانی داشته باشند، احتمال برقراری ارتباط، تعامل و همکاری با یکدیگر بیشتر می‌شود. در این صورت احتمال مدیریت سود و به تبع کاهش کیفیت سود وجود دارد. در این شرایط، حسابرسان ممکن است مجبور باشند تلاش بیشتری برای مقابله با آن انجام دهند، زیرا برای حسابرسان زمان بیشتری برای درک صحت و وسقم مالی هزینه‌دارند که این امر منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسان می‌شود.

جدول ۵: نتایج تخمین مدل دوم به روش اثرات ثابت

نام متغیر	ضریب	آماره t	P-Value
AF	۰/۱۸۹	۵/۰۲۱	۰/۰۰۰
ST	-۰/۸۵۰	-۳/۲۳۰	۰/۰۰۱
ST*AF	۰/۱۱۳	۲/۹۱۸	۰/۰۰۴
SIZE	-۰/۱۲۰	-۶/۶۹۹	۰/۰۰۰
LEV	۰/۲۷۷	۳/۰۴۶	۰/۰۰۲
ROA	۰/۵۱۲	۳/۴۸۶	۰/۰۰۱
CFO	۰/۰۱۷	۰/۱۲۲	۰/۹۰۳
AGE	۰/۰۳۰	۰/۷۵۱	۰/۴۵۳
PPE	۰/۱۲۶	۱/۳۶۴	۰/۱۷۳
REC	۰/۰۴۳	۰/۴۳۷	۰/۶۶۲
AF	۰/۱۸۹	۵/۰۲۱	۰/۰۰۰
Obs	۶۵۴		
R2	۰/۴۶۳		
D.W	۱,۷۹۸		
F-statistic	۷۴,۶۰۱	P-Value	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نقش حق‌الزحمه حسابرسی به‌عنوان معیاری جهت بازتاب کیفیت حسابرسی بسیاری از پژوهش‌ها به آن پرداخته‌اند. از طرفی دیگر توجه به ارتباط مدیرعامل و مدیرمالی به‌عنوان دو فرد اثرگذار در تعیین راهبرد و اجرای عملیات شرکت، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیرمالی می‌تواند به ایجاد رابطه صمیمی بین آن دو عضو کلیدی در شرکت منجر شود و

در هنگام تصمیم‌گیری در خصوص مسائل مالی و اقتصادی راحت‌تر به توافق برسند. حفظ جایگاه شغلی، پاداش، حس قدرت و ... از جمله انگیزه‌های مدیرعامل برای مدیریت سود به شمار می‌رود و می‌تواند با سهیم کردن مدیر مالی در منافع ناشی از مدیریت سود، وی را متقاعد به همکاری با خویش کند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مطابق مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز در صورتی که مدیرعامل و مدیر مالی دارای دوره تصدی یکسانی باشند، به دلیل ارتباط به وجود آمده بین مدیرعامل و مدیر مالی، مدیر مالی تمایل بیشتری به همکاری با مدیرعامل داشته و با مدیرعامل جهت مدیریت سود همکاری می‌نماید. همچنین نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که حق‌الزحمه حسابرسی نقش تعدیلگری در رابطه بین هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و کیفیت سود ایفا می‌کند. حساب‌برسان به‌منظور کسب اطمینان معقول از نبود تحریف بااهمیت ناشی از تقلب، سطح رسیدگی، زمان و حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهند. به بیانی دیگر، حساب‌برسان با افزایش حجم رسیدگی ریسک کاهش کیفیت سود ناشی از هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی را کاهش می‌دهند. این نتایج با یافته‌های کای و لی (۲۰۲۲)، اخلاقی و پاینده (۱۴۰۰)، مرادی، صفرپور و نیک طره منفرد (۱۳۹۸)، واعظ و همکاران (۱۳۹۳)، احمد و تونی (۲۰۱۵)، جنین و پیوت (۲۰۱۰)، چارلز و همکاران (۲۰۱۰) و ابوت و همکاران (۲۰۰۶) مطابقت دارد.

نتایج حاصل از این پژوهش به سرمایه‌گذاران و ارکان راهبری نشان می‌دهد که افزایش حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی می‌تواند عواقب ناشی از هم‌زمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی را کاهش داده و کیفیت سود را بهبود بخشد. از این‌رو، به سهامداران توصیه می‌گردد در گام نخست با انتخاب موسسه حسابرسی باکیفیت، کیفیت حسابرسی را بالا برده و ریسک فوق‌الذکر را پوشش دهند. همچنین استقرار سازوکار کنترل داخلی مناسب جهت انتخاب یا تغییر مدیر مالی از جمله ارائه دلایل پیشنهادی مدیرعامل جهت تغییر مدیر مالی، بررسی سوابق مدیر مالی جدید توسط کمیته حسابرسی و ... می‌تواند منجر به کاهش ریسک همکاری مدیرعامل و مدیر مالی در زمینه مدیریت سود گردد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش برای تحقیق‌های آتی پیشنهاد می‌شود نقش حاکمیت شرکتی از جمله تعداد اعضای مستقل هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر کاهش کیفیت سود ناشی از یکنواختی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی مورد بررسی و آزمون قرار گرفته و نتایج به‌دست‌آمده با یکدیگر مقایسه شود.

همزمانی دوره تصدی مدیرعامل و مدیر مالی و کیفیت سود.../یار احمدی و غلامزاده‌لداری

منابع

- (۱) خدادادی، ولی، قلمبر، محمدحسین و علی چراغی‌نیا (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر سیاست تقسیم سود بر رابطه‌ی بین کیفیت سود و حق‌الزحمه حسابرسی". دانش حسابداری مالی، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۳.
- (۲) سپاسی، سحر و مهدی اسدی وصفی (۱۳۹۵). "بیش اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی با تأکید بر نقش کمیته حسابرسی". دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۱۹، صص ۱۲۹-۱۳۸.
- (۳) لاری دشت بیاض، محمود و جواد اورادی (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیرعامل با حق‌الزحمه حسابرسی". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۱، صص ۸۱-۱۰۲.
- (۴) محمد، حسنی و بیستون یونس حمه (۱۴۰۱). "تحلیل روابط حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و ریسک حسابرسی در مواجهه با تجدید ارائه و آشفتگی مالی". پژوهش‌های حرفه‌ای حسابرسی، شماره ۶، صص ۸۲-۱۱۱.
- (۵) نوشادی، میثم، خدادادی، ولی، واعظ، سیدعلی و علی حسین زاده (۱۳۹۹). "بررسی عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی: عوامل مربوط به محیط حرفه‌ای، فرهنگی و اجتماعی". تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۶، صص ۴۳-۶۴.
- (۶) نیک‌بخت، محمدرضا و محسن تنانی (۱۳۸۹). "آزمون عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی". پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۴، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- (۷) مشایخ، شهناز و مریم اسماعیلی (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳، صص ۲۵-۴۴.
- (۸) اخلاقی، اسماعیل و نعیمه، پاینده (۱۴۰۰). بررسی تأثیر حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود با توجه به بحران مالی، پژوهش‌های معاصر در علوم مدیریت و حسابداری، شماره ۳، صص ۲۷۶-۲۸۹.
- (۹) مرادی، مجید، صفر پور، مریم و نیک طره منفرد، سوگل. (۱۳۹۸). ارتباط کیفیت سود و حق‌الزحمه حسابرسی با سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، شماره ۲، صص ۱-۱۶.
- 10) Abbott, L.J., Parker, S., Peters, G.F., 2004. Audit committee characteristics and restatements. *Audit. J. Pract. Theory* 23 (1), 69–87.
- 11) Abbott, L.J., Parker, S., Peters, G.F., ۲۰۰۶. Earnings management, litigation risk, and asymmetric audit fee responses. *Audit. J. Pract. Theory* ۲۵(۱), ۸۵–۹۸.

- 12) Ali, A., Zhang, W., 2015. CEO tenure and earnings management. *J. Account. Econ.* 59 (1), 60–79.
- 13) Allen, T.J., Cohen, S., ۱۹۶۹. Information flows in R&D labs. *Adm. Sci. Q.* ۱۴, ۱۲–۱۹.
- 14) Ancona, D.G., Caldwell, D.F., ۱۹۹۲. Bridging the boundary: external activity and performance in organizational teams. *Adm. Sci. Q.* ۳۷(۴), ۶۳۴–۶۶۵
- 15) Baker, T.A., Lopez, T.J., Reitenga, A.L., Ruch, G.W., ۲۰۱۹. The influence of CEO and CFO power on accruals and real earnings management. *Rev.*
- 16) Beck, M.J., Mauldin, E.G., ۲۰۱۴. Who’s really in charge? Audit committee versus CFO power and audit fees. *Account. Rev.* ۸۹(۶), ۲۰۵۷–۲۰۸۵
- 17) Bergstresser, D., Philippon, T., 2006. CEO incentives and earnings management. *J. Financ. Econ.* 80 (3), 511–529.
- 18) Bliss, M.A., 2011. Does CEO duality constrain board independence? Some evidence from audit pricing. *Account. Finance* 51 (2), 361–380.
- 19) Cai, Y, Li, M. 2022. CEO-CFO tenure consistency and audit fees. *J. Pacific-Basin Finance.* 73, 1–14.
- 20) Carcello, J.V., Hermanson, D.R., Neal, T.L., Riley Jr., R.A., 2002. Board characteristics and audit fees. *Contemp. Account. Res.* 19 (3), 365–384.
- 21) Carpenter, M.A., 2002. The implications of strategy and social context for the relationship between top management team heterogeneity and firm performance.
- 22) Chava, S., Purnanandam, A., 2010. CEOs versus CFOs: incentives and corporate policies. *J. Financ. Econ.* 97 (2), 263–278.
- 23) DeFond, M., Zhang, J., 2014. A review of archival auditing research. *J. Account. Econ.* 58 (2–3), 275–326.
- 24) Dikolli, S.S., Heater, J.C., Mayew, W.J., Sethuraman, M., 2021. Chief financial officer co-option and chief executive officer compensation. *Manag. Sci.* 67 (3).
- 25) Duong, L., Evans, J., 2016. Gender differences in compensation and earnings management: evidence from Australian CFOs. *Pac. Basin Finance. J.* 40 (12), 17–35.
- 26) Felix, R., Mansi, S., Pevzner, M., 2024. Audit committee–CFO political dissimilarity and financial reporting quality. *Journal of Accounting and Public Policy.* 113 (1), 1–22.
- 27) Geiger, M.A., North, D.S., 2006. Does hiring a new CFO change things? An investigation of changes in discretionary accruals. *Account. Rev.* 81 (4), 781–809.
- 28) Graham, J.R., Harvey, C.R., Rajgopal, S., 2005. The economic implications of corporate financial reporting. *J. Account. Econ.* 40 (1–3), 3–73.

- 29) Healy, P.M., 1985. The effect of bonus schemes on accounting decisions. *J. Account. Econ.* 7 (1–3), 85–107.
- 30) Hsieh, T.S., Kim, J.B., Wang, R.R., Wang, Z., 2020. Seeing is believing? Executives' facial trustworthiness, auditor tenure, and audit fees. *J. Account. Econ.*
- 31) Huang, H.W., Parker, R.J., Yan, Y.C.A., Lin, Y.H., 2014. CEO turnover and audit pricing. *Account. Horiz.* 28 (2), 297–312.
- 32) Jackson, S.E., Brett, J.F., Sessa, V.I., Cooper, D.M., Julin, J.A., Peyronnin, K., 1991. Some differences make a difference: individual dissimilarity and group jfineco.2010.03.018.
- 33) Jiang, J.X., Petroni, K.R., Wang, I.Y., 2010. CFOs and CEOs: who have the most influence on earnings management? *J. Financ. Econ.* 96 (3), 513–526.
- 34) Kalelkar, R., Khan, S., 2016. CEO financial background and audit pricing. *Account. Horiz.* 30 (3), 325–339.
- 35) Kannan, Y.H., Skantz, T.R., Higgs, J.L., 2014. The impact of CEO and CFO equity incentives on audit scope and perceived risks as revealed through audit fees. *Audit. J.*
- 36) Katz, R., 1982. The effects of group longevity on project communication and performance. *Adm. Sci. Q.* 27 (1), 81–104.
- 37) Kim, H., Kwak, B., Lim, Y., Yu, J., 2017. Audit committee accounting expertise, CEO power, and audit pricing. *Asia-Pac. J. Account. Econ.* 24 (3–4), 421–439.
- 38) Mian, S., 2001. On the choice and replacement of chief financial officers. *J. Financ. Econ.* 60 (1), 143–175. [https://doi.org/10.1016/S0304-405X\(01\)00042-3](https://doi.org/10.1016/S0304-405X(01)00042-3).
- 39) Mitra, S., Song, H., Lee, S.M., Kwon, S.H., 2020. CEO tenure and audit pricing. *Rev. Quant. Finan. Acc.* 55 (2), 427–459.
- 40) Smith, K.G., Smith, K.A., Olian, J.D., Sims Jr., H.P., O'Bannon, D.P., Scully, J.A., 1994. Top management team demography and process: the role of social integration. *Strateg. Manag. J.* 23 (3), 275–284.
- 41) Tsui, J.S., Jaggi, B., Gul, F.A., 2001. CEO domination, growth opportunities, and their impact on audit fees. *J. Acc. Audit. Financ.* 16 (3), 189–208.
- 42) Wagner, W.G., Pfeffer, J., O'Reilly III, C.A., 1984. Organizational demography and turnover in top-management group. *Adm. Sci. Q.* 29 (1), 74–92.
- 43) Watts, R.L., Zimmerman, J.L., 1978. Towards a positive theory of the determination of accounting standards. *Account. Rev.* 53 (1), 112–134.
- 44) Xiang, R., Song, C., 2021. CFO narcissism and audit fees: evidence from listed companies in China. *China J. Account. Res.* 14 (3), 257–274.
- 45) Zenger, T.R., Lawrence, B.S., 1989. Organizational demography: the differential effects of age and tenure distributions on technical communication. *Acad. Manag. J.* 32 (2), 353–376.

**CEO-CFO tenure consistency and Earnings quality
: The moderating role of the audit fee**

Receipt: 19/12/2023 Acceptance: 07/09/2024

Javid Yarahmadi¹

Masoud Gholamzadeh Ledari²

Abstract

Paying attention to the relationship between the CEO and CFO as two influential members in determining and implementing the company's operation strategy is very important. Therefore, the aim of this research is to empirically test the role of the auditor's fee moderator in the relationship between the consistency of the tenure of the CEO and the CFO and Earnings quality. For this purpose, information related to 109 companies listed in Tehran Stock Exchange was collected and analyzed between 2016 and 2021. The findings of the research confirm the negative relationship between the consistency of the tenure of the CEO and the financial manager and the earnings quality. Also, the findings of the research show that the audit fee plays a moderating role in the negative relationship between CEO-CFO tenure consistency and the quality of profit. Based on this, it can be claimed that in companies where the tenure of the CEO and the financial manager are the same, the financial manager cooperates and participates with the CEO in earnings management, and as a result, auditors increase the level of handling and audit fees to cover the audit risk.

Keywords

audit fee, CEO-CFO tenure consistency, earnings quality.

1-PhD Student, Department of Finance and Accounting, Science and Research Branch, Islamic azad university, Tehran, Iran. javidyarahmadi@gmail.com

2-Assistant Professor, Department of Finance and Accounting, Science and Research Branch, Islamic azad university, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Masoud.gholamzade@gmail.com